

بررسی راهکارهای افزایش بهره‌وری پارک‌ها و فضای سبز شهری با روش SWOT (نمونه موردی: پارک کوهستانی دراک شهر شیراز)

علیرضا ایزدی^{۱*}، امیرحسین عریانی^۲

۱- مدرس موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران، Alireza.Izadi@hotmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی شهرسازی، موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران، amirho3ienoryani@gmail.com

چکیده

بوستان‌های شهری با اختصاص سطوح وسیع یا نسبتاً وسیعی از شهرها به لحاظ قابلیت‌های کارکردی خود به عنوان امکاناتی برای ارتقاء سطح کیفی شهرها مطرح هستند. بوستان‌های شهری دارای دو جنبه عمده کارکردی هستند؛ اول، تاثیر این بوستانها در ارتقاء شرایط زیست محیطی به عنوان فضاهای سبز و ریه‌های تنفسی شهرها و دوم، نقش این کاربری‌های شهری در گذران اوقات فراغت شهروندان با ایجاد زمینه‌های متنوع گذران اوقات فراغت فردی و جمعی و همچنین چگونگی چیدمان مبلمان شهری. با چنین پیش‌زمینه‌ای، در این پژوهش با هدف ارائه راهکارها و سطح بهره‌وری عمومی از پارک‌های شهری با تاکید بر کلان‌شهر شیراز و پارک کوهستانی دراک به نقاط قوت و نقاط ضعف با استفاده از تکنیک سوات پرداخته ایم. سپس با استفاده از راهبردها و استراتژی‌های منتخب به ارتقای کیفیت پارک کوهستانی دراک پرداختیم. طبق نتایج این پژوهش می‌توان با تلاش در جهت کاهش ضعف‌ها و پرهیز از تهدیدات اقداماتی را انجام داد.

واژه‌های کلیدی: فضای سبز، بهره‌وری، مبلمان شهری، روش سوات، کلانشهر شیراز.

۱- مقدمه و بیان مسأله:

پارک‌ها و فضای سبز شهری به عنوان بخشی از فضای شهری و با دارا بودن ابعاد زیست محیطی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی (مسفرون، ۱۹۹۴) نقش مهمی در افزایش و بهبود کیفیت زندگی شهری ایجاد مطبوعیت برای شهروندان ایجاد تفریح و سرگرمی (روباره، ۲۰۰۰) اوقات فراغت و استفاده از فرصت‌های زیبایی شناختی، بهبود کیفیت هوای شهری (نواک و هسلر، ۲۰۱۰) تنوع زیستی، محافظت از فرسایش خاک، جذب بارش و آلودگی، کاهش تاثیرات جزیره حرارتی شهر (کونگ و ناکاگوشی، ۲۰۰۶) ایمنی و سلامت ساکنین شهر (کامبر، ۲۰۰۸) به ویژه در کشورهای درحال توسعه که تعدادی از مناطق مهم مادرشهری جهان را شامل می‌شوند (تایوتسا، ۲۰۰۸) ایفا کرده و فضایی را برای بحث و تعاملات اجتماعی و فرهنگی ایجاد نقش منسجم در گروه‌های اجتماعی (جرمن چپاری و سیلند، ۲۰۰۴) یکپارچگی اجتماعی، ایجاد آسایش، پرورش کودکان، درمان برخی بیماریها و مشارک‌تهای ارزشمند شهری که منافع اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی شهری را به دنبال دارد (ماتسوکا و کاپلن، ۲۰۰۲) فراهم می‌آورد. آنچه امروزه در سرآغاز قرن بیست و یکم برای شهرهای ما بحران محسوب می‌شود و چهره‌ی شهرها را زشت و نابسامان و شهروندان را افرادی بی روح، خسته و آزرده کرده است، گسستن و نابودی تدریجی پیوند انسان و طبیعت است که متأسفانه در سال‌های اخیر در کار توسعه شهری و نظام شهرنشینی کشور به این مسئله کمتر توجه شده است (زنگی آبادی و مختاری ملک آبادی، ۱۳۸۴). این توسعه بی رویه و ناپایدار شهری، باعث افزایش